

پژوهشگر پسادکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با ایسکانیوز:

تا کجا می‌توانیم با کرونا پیش برویم؟/ نیاز به آمادگی برای رویارویی با بدترین سناریو

پژوهشگر پسادکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران گفت: پیشگیری، استراتژی پابرجایی برای تمام سناریوهاست؛ اما استراتژی «رهایمی‌بخش» نیست. این استراتژی فقط سرعت انتشار را پایین نگه می‌دارد و در صورتی که ویروس غیرفعال نشود، منجر به حذف ویروس نمی‌شود.

به گزارش خبرنگار گروه دانشگاه ایسکانیوز، ویروسی که با عنوان کووید ۱۹ در جهان مشهور شده، علاوه بر تهدید سلامت، دو حوزه اقتصاد و سیاست جهان را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده است. مرگ و میر بیش از سه هزار نفر، ابتلای بیش از ۱۰۰ هزار نفر و درگیری مستقیم بیش از سه میلیارد نفر در بیش از ۲۵ کشور را باید موج اول اثرات کووید ۱۹ دانست.

سقوط چند درصدی بورس برخی کشورها، نزول ارزش پول‌های ملی، افزایش چندصد درصدی قیمت برخی اقلام و کالاها و نایاب شدن برخی مواد مصرفی، تنها بخشی از اثرات ملموس این ویروس است. پیامدهای این ویروس تنها به این موارد ختم نشده و باعث تقویت برخی فرض‌ها و طرح فرض‌های جدیدی شده است.

احد رضایان قیه‌باشی، دانش‌آموخته دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با ایسکانیوز، نگاهی سناریویی و تحلیلی نسبت به مواجهه با شیوع ویروس کرونا داشت و تمام حالت‌های ممکن را بررسی کرد. متن کامل مصاحبه تخصصی پژوهشگر پسادکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران را در ادامه می‌خوانید:

ضعف علم پزشکی در مواجهه با چالش‌های نوظهور و محدود کردن اقدامات به پیشگیری از یک طرف و تقویت این فرض که این ویروس دست‌ساز و آزمایشگاهی بوده و از سوی برخی کشورها تولید و منتشر شده از طرف دیگر، باعث گسترش ترس و وحشت در جهان شده است. جنگ رسانه‌ای بین گروه‌ها و کشورها با هدف تخریب همدیگر از طریق دستاویز قرار دادن کرونا، باعث شهرت و وحشت بیشتر این ویروس شده است.

طرح احتمال جنگ بیولوژیکی گسترده نیز به مباحث جدیدی دامن زده و باعث تقویت این دیدگاه شده است که در آینده، هر کشوری بتواند دسترسی کنترل شده‌ای به سلاح‌های بیولوژیک داشته باشد، می‌تواند به‌عنوان قدرت جهانی مطرح شود. سرعت انتشار این ویروس در جهان به طرح مجدد و قوت گرفتن دیدگاه وابستگی متقابل، تضعیف مرزها و دهکده جهانی منجر شده است. به قول مهران مدیری، یک نفر در چین سوپ خفاش خورده و دست‌هایش را نشسته است، این سر دنیا، ما هر روز باید چندین بار دست‌هایمان را بشویم. گویی اثر پروانه‌ای روز به روز بیشتر تشدید می‌شود.

نگرانی و استرس اقتصاددانان از همیشگی بودن اثرات این ویروس بر اقتصاد جهان، دغدغه جدیدی را به‌وجود آورده است. با این که برخی دانشمندان امیدوار هستند با گرم‌تر شدن هوا در چند ماه آینده، ویروس ناپدید یا فعالیتش به شدت محدود شود؛ اما این مسئله با عدم قطعیت شدیدی همراه بوده و ممکن است چنین اتفاقی رخ ندهد؛ چرا که کرونا شکل جهش‌یافته‌ای از ویروس‌های مشابه قبلی بوده و ممکن است مثل سارس رفتار نکند.

این شکل از پیش‌بینی، ریشه در تحلیل رفتار ویروس‌های مشابه در ادوار گذشته دارد و ممکن است کرونا ویروس که شکل جهش‌یافته ویروس سارس و ... است، مثل ویروس‌های قبلی از الگوها و الگوریتم‌های شناخته شده تبعیت نکند که در این صورت ایران و جهان با غافلگیری راهبردی مواجه خواهند شد.

با اینکه از گوشه و کنار خبرهای امیدبخشی از تولید واکسن ضد کرونا به گوش می‌رسد؛ اما هیچ‌کدام از این اخبار، تأیید نشده و حتی در صورت تأیید به نظر نمی‌رسد چنین واکسنی در کوتاه‌مدت قابل استفاده باشد؛ چون مراحل آزمون و ارزیابی آن به هفته‌ها و شاید ماه‌ها زمان نیاز دارد. تمرکز و استراتژی اصلی پزشکان، سیاستمداران و مدیران در شرایط فعلی، محدود کردن و کاهش سرعت انتشار ویروس است؛ اما با توجه به تعداد جمعیت، فشار اقتصادی، نیاز به فعالیت برای تأمین معاش، پراکنش گسترده جمعیت، کمبود تجهیزات بهداشتی و پزشکی، کم‌توجهی به ویروس و جدی نشمردن خطر، نبود الگوهای مدیریتی مورد اعتماد و بی‌اعتمادی به دولت و سیاستمداران، به نظر نمی‌رسد این سیاست و استراتژی توفیق چندانی در بلندمدت به‌دست آورد.

همانطور که پیش‌بینی شده، انتظار می‌رود همچنان شاهد گسترش تعداد بیماران و مرگ و میر باشیم و به‌عبارت دیگر، موفقیت این اقدامات نیز با عدم قطعیت همراه است. حالا اگر بخواهیم تمام پیشران‌های اثرگذار بر آینده این ویروس را فهرست کنیم، به موارد زیر خواهیم رسید:

* اراده و اقدام جهانی برای محدود کردن و شکست دادن ویروس که با عدم قطعیت عمیقی همراه است. (تلاش برای یافتن واکسن یا دستکاری در ویروس) به‌عنوان مهمترین پیشرانی که در اراده و اختیار انسان است.

* تصویر ذهنی مردم از آینده ویروس که این تصویر می‌تواند اثرات مثبتی و منفی داشته باشد. این تصویر حاکی از امیدواری مردم از پایان این ویروس در مدت زمان کوتاهی است. برخی افراد و اندیشمندان تصویر مثبت و برخی تصویر منفی از آینده این ویروس دارند. البته این تصویر که ریشه در الگوها و مدل‌های ذهنی گذشته دارد، می‌تواند اثرات منفی نیز داشته باشد؛ یعنی ممکن است ویروس به این زودی‌ها غیرفعال نشده یا واکسن پیدا نشود، در این صورت، تصویر امیدوارکننده ممکن است منجر به ناامیدی عمیق و ترس مضاعفی شده یا باعث شود افراد به مرور، استراتژی پیشگیری را به‌دلیل خوش‌بینی نسبت به آینده به‌شکل جدی پیگیری نکنند.

* روند مبتلایان و مرگ و میر و گرم‌تر شدن محیط در حال حاضر سیر صعودی دارد. اکنون با تغییرات گسترده اقلیمی و تا اردیبهشت ماه با نوسانات دمایی روبرو هستیم.

* رویدادهای بسیار زیادی که می‌تواند بر آینده کرونا اثر بگذارد، قابل تصور بوده؛ اما احتمال وقوع آنها بسیار اندک است. رویدادهایی همچون جهش مجدد ویروس، رخدادهای حدی اقلیمی و غیره قابل تصور خواهد بود.

با توجه به این توضیحات، آینده کرونا با عدم قطعیت‌های عمیقی همراه است، به‌طوری که نمی‌توان دقیق پیش‌بینی کرد چه خواهد شد؛ اما می‌توان نگاه سناریویی به آینده کرونا داشت. قبل از توصیف سناریوها لازم است به چند نکته درباره راه‌حل‌های قابل تصور برای مواجهه با این ویروس که از سوی اندیشمندان مطرح شده، توجه کرد:

احتمال غیرفعال شدن ویروس با گرم‌تر شدن هوا یا هر رخداد دیگری در چند هفته آینده. احتمال یافتن واکنس ضد کرونا یا هر راه حل پزشکی و غیر پزشکی دیگر در کوتاه‌مدت. (ممکن است کرونا راه حل پزشکی نداشته و راه حل آن غیر پزشکی باشد).
قرنطینه شدید افراد و توسعه سیاست پیشگیری با هدف از بین بردن شانس ویروس برای پیدا کردن میزبان.

با این توضیحات، می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که آینده این ویروس غیر قابل پیش‌بینی نبوده؛ اما قابل پیش‌بینی هم نیست، به عبارتی دیگر می‌شود حالت‌های محتمل و باورپذیری را در نظر گرفت. برخی روندها، اقدامات و پیامدهای آنها قابل پیش‌بینی بوده و اثرات‌شان بر این ویروس قابل ترسیم است؛ اما عدم قطعیت‌هایی نیز وجود دارد.

باید به این نکته هم توجه داشت که پیشران‌های سازنده آینده این ویروس در اختیار ما نیست؛ یعنی به نظر نمی‌رسد با روندهای عادی، قادر به از بین بردن یا توقف آن باشیم. حالا سؤال این است که چه سناریوهای باورپذیری پیش روی آینده کرونا وجود دارد و بر اساس این سناریوها، استراتژی‌های مناسب کدام هستند؟

دو عدم قطعیت بحرانی در بحث کرونا ویروس عبارتند از:

شکست اقدامات بشری / پیروزی اقدامات بشری
تقویت خوش‌بینی نسبت به آینده ویروس / تقویت بدبینی نسبت به آینده ویروس.

در این حالت چهار سناریو خواهیم داشت:

سناریوی اول: در حالتی که خوش‌بین هستیم؛ اما اقداماتمان برای پیشگیری و توقف انتشار ویروس با شکست مواجه شده است.
سناریوی دوم: در حالتی که خوش‌بین هستیم و اقداماتمان برای توقف انتشار مؤثر واقع شده است.
سناریوی سوم: در صورتی که بدبین هستیم؛ اما اقداماتمان برای توقف انتشار مؤثر واقع شده است.
سناریوی چهارم: در صورتی که بدبین هستیم و اقداماتمان هم برای توقف رشد و انتشار با شکست روبرو شده است.

منظور از بدبینی نسبت به آینده ویروس؛ یعنی باور به اینکه ویروس در آینده با وجود تمام اقدامات منتشر خواهد شد و ما نخواهیم توانست جلوی آن را بگیریم و دائماً به خود تلقین می‌کنیم ویروس همه‌گیر شده و جهان را درگیر خواهد کرد. منظور از خوش‌بینی نسبت به آینده

ویروس، یعنی اینکه معتقدیم و باور داریم و امیدواریم که ویروس به هر طریقی، همه‌گیر نشده و به‌زودی پایان خواهد یافت.

در سناریوی اول ویروس با سرعت منتشر شده است. افراد خوش‌بین همچنان امیدوارانه بر تلاش‌ها و راهکارهای خود اصرار دارند. در برخی موارد این خوش‌بینی مزید بر علت شده تا افراد، اهمیت و میزان خطرناک بودن ویروس را در نظر نگیرند و همین مسئله تاثیر بسیاری بر شکست اقدامات گذاشته است. از طرف دیگر با افزایش مبتلایان و مرگ و میر روبرو هستیم. تعداد مبتلایان افزایش یافته و فشارها برای یافتن راه حل بیشتر شده است. درگیری بین افراد خوش‌بین و بدبین بیشتر شده و اتهامات و اختلافات، نقش برجسته‌ای در شکست سیاست‌ها و افزایش هزینه‌ها داشته است. با شکست سیاست‌های پیشگیرانه، فضا برای افزایش ناامنی اجتماعی - اقتصادی بیشتر شده و نارضایتی از حکومت افزایش یافته است. مهاجرت از کشور رو به فزونی گذاشته و مرزها به شدت ناامن شده‌اند. اختکار و گران‌فروشی به شدت رایج شده و فشارهای بین‌المللی بر ایران و کشورهای درگیر افزایش یافته است.

در سناریوی دوم: شاهد کاهش مرگ و میر و تعداد مبتلایان هستیم. خوش‌بینی نسبت به آینده ویروس، نقش مهمی در تلاش امیدوارانه افراد دارد. پیشگیری به عنوان مهمترین راهبرد معرفی شده و هزینه‌های سنگینی بر دولت‌ها تحمیل کرده است. فرهنگ قرنطینه و آموزش از دور و دورکاری رواج یافته و شاهد به چالش کشیده شدن ساختارهای سنتی هستیم. فرهنگ خوش‌بینی رفته رفته باعث کم‌توجهی به خطر ویروس شده و احتمال همه‌گیری و گسترش مجدد آن را افزایش داده است. با کاهش مرگ و میر و افزایش خوش‌بینی نسبت به آینده ویروس، شاهد ثبات مقطعی اقتصادی هستیم. در این سناریو، در صورتی که در میان مدت، درمان قطعی این ویروس پیدا نشود، رفته رفته شاهد افزایش مبتلایان خواهیم بود.

در سناریوی سوم: شاهد کاهش مرگ و میر و توقف رشد و انتشار ویروس هستیم؛ اما همچنان نسبت به آینده ویروس بدبینیم و باور داریم این موفقیت در مهار ویروس، مقطعی است و ویروس به‌زودی قدرت گرفته و حمله خواهد کرد. این سطح از بدبینی نه‌تنها دائماً ما را هوشیار نگه داشته، همچنین باعث تزریق ناامیدی به جامعه نیز شده و فشارها برای درمان قطعی ویروس از هر طریق را افزایش داده است. استراتژی پیشگیری، نه یک استراتژی موفق و دائمی؛ بلکه به عنوان یک استراتژی موقت و ناکارآمد در بلندمدت معرفی می‌شود. بدبینی نسبت به آینده ویروس به‌ویژه در صورتی که با افزایش گرما، این ویروس ناپدید یا غیر فعال نشود، بیشتر و بیشتر شده و به‌مرور بی‌نظمی‌های اقتصادی و سیاسی را رقم خواهد زد.

در سناریوی چهارم: شاهد افزایش گسترده مرگ و میر و ابتلا در ایران و سراسر جهان هستیم. بدبینی نسبت به آینده ویروس، سطح ناامیدی در جهان به‌ویژه ایران را به شدت افزایش داده و نوعی بی‌نظمی و پریشانی در ایران و سراسر جهان حاکم شده است. تمام شاخص‌ها تغییرات فاحشی تجربه کرده‌اند. کشور به شدت از سوی سایر دولت‌ها محدود و هر گونه مرادده‌ای تحت تأثیر گسترش ویروس، محدود شده است. با بسته شدن بسیاری از کانال‌ها و مجاری، آشفته‌گی اقتصادی بیشتر شده و سوداگران مرگ، کنترل بخش‌های مهم اقتصادی و معیشتی را در دست گرفته‌اند و نظام برای مقابله با این وضعیت، حکومت نظامی اعلام کرده است. افراط‌گرایی، رشد چشمگیری داشته و تضادها و درگیری‌ها اغلب خارج از کنترل شده‌اند. باورهای مذهبی و عقاید خرافی به شدت رواج یافته و افراد برای جلوگیری از ابتلا و مرگ بر اثر ویروس، به هر باوری روی می‌آورند. انتظار منجی تقویت شده و تصاویر پایان تاریخی تشدید شده است. ناامیدی از علم بیشتر و بیشتر شده و در عین حال شایعات بر سپهر انسانی چیده شده و کنترل فضا را در اختیار دارند. تمام اقدامات و سیاست‌ها معطوف به درمان قطعی شده و در عین حال فضایی به وجود آمده که افراد در سطح جهان اقدام به خود قرنطینگی داوطلبانه کرده‌اند. در این سناریو تمام تلاش‌ها معطوف به درمان قطعی بیماری است.

علاوه بر سناریوهای باورپذیر و احتمالی که در میان مدت و بلند مدت قابل تصور هستند، با در نظر گرفتن چند رویداد، می‌توان درباره سناریوهای شگفتی‌ساز نیز صحبت کرد. این سناریوها ریشه در برخی رویدادهای غافلگیرکننده و دور از انتظار دارند. با در نظر گرفتن سه رویداد زیر می‌توان سه سناریوی شگفتی‌ساز هم ترسیم کرد:

۱. غیرفعال شدن ویروس با افزایش دما.

۲. پیدا کردن واکسن ضد کرونا.

۳. جهش یافتن ویروس و تبدیل شدن به نوع جدید.

در سناریوی شگفتی‌ساز اول ویروس با افزایش دما به مدت نامعلومی غیرفعال شده است. مسافرت‌ها به مناطق گرم‌تر به شدت افزایش یافته و به مرور شاهد پایان یافتن چالش کرونا و تجربه وضعیت پساویروسی هستیم. در سناریوی شگفتی‌ساز دوم تأیید خبر پیدا شدن واکسن ضد کرونا، موجی از پیامدهای سیاسی و اقتصادی را به همراه داشته است. کشور یابنده توانسته علم پزشکی و قدرت خود را به رخ بکشد و واکسن را صادر کند؛ حتی افراد سالم هم تمایل دارند یک‌بار از این واکسن استفاده کنند. میزان مصرف واکسن، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای را به همراه داشته است. در سناریوی شگفتی‌ساز سوم شاهد جهش ویروس و شکست تمام اقدامات پزشکی و غیرپزشکی هستیم. اکنون با نسل جدیدی از ویروس که بسیار کشنده تر و متفاوت‌تر است، روبرو هستیم و ...

با این توصیف‌ها، چهار سناریوی باورپذیر و سه سناریوی شگفتی‌ساز قابل تصور است. البته ممکن است سناریوهای دیگری به دلیل شناسایی ناقص عدم قطعیت‌های بحرانی نادیده گرفته شوند. حالا سؤال این است با علم به این سناریوها و آینده ویروس، استراتژی مناسب برای انسان در مواجهه با این مشکل چیست؟

* میزانی از بدبینی نسبت به آینده این ویروس ضروری است. تزریق واهی امید و خوش‌بینی می‌تواند در بدتر شدن شرایط اثرگذار باشد.

* سیاست قرنطینه در کوتاه‌مدت شاید بتواند اثرات مثبتی در پیشگیری و کاهش سرعت انتشار داشته باشد؛ اما منجر به حذف همیشگی خطر نخواهد شد و در بلندمدت، سیاست کارآمدی نخواهد بود.

* استراتژی پیشگیری به‌عنوان سیاست حداقلی، در هر شرایطی ضروری است؛ اما منجر به حذف بلندمدت خطر نخواهد شد؛ یعنی در بلندمدت باعث از بین رفتن خطر نخواهد شد.

* به نظر می‌رسد بشر در مواجهه با بیماری همه‌گیری همچون کرونا تا زمانی که درمان قطعی پیدا نکند، بی‌دفاع است.

* در بلندمدت کرونا باید از بین برود یا انسان، اگر با افزایش دما این ویروس غیرفعال نشود در بلندمدت، تلفات غیرقابل تصور خواهد بود.

آیا استراتژی می‌تواند پیشگیری در بلندمدت موفق باشد؟

پیشگیری، استراتژی پابرجایی برای تمام سناریوهاست؛ اما استراتژی‌های بخشی نیست. این استراتژی فقط سرعت انتشار را پایین نگه می‌دارد و در صورتی که ویروس غیرفعال نشود منجر به حذف ویروس نمی‌شود.

اینکه بتوان با سیاست قرنطینه کامل، شانس ویروس برای پیدا کردن میزبان را به صفر رساند هم در عمل غیرممکن به نظر می‌رسد و قرنطینه فقط در کوتاه‌مدت می‌تواند سرعت انتشار را پایین نگه دارد. در بلندمدت، قرنطینه سیاست مناسبی نخواهد بود؛ چرا که زیرساخت‌های لازم برای زندگی در شرایط قرنطینه فراهم نیست.

نخست باید امیدوار باشیم تلاش‌ها برای یافتن واکسن نتیجه‌بخش باشد.

دوم باید امیدوار باشیم استراتژی پیشگیری، سرعت انتشار را کاهش دهد.

سوم باید امیدوار باشیم تغییرات آب و هوایی، ویروس را در بخش‌هایی از جهان از جمله ایران غیرفعال کند.

چهارم باید امیدوار باشیم تا ویروس همچون سلف خود، چرخه عمر مشخصی داشته باشد و به مرور غیرفعال شود.

نتیجه‌گیری

۱. امید اصلی ما باید این باشد که ویروس به کمک پیشران‌هایی که خارج از کنترل ما هستند (اقلیم و ...) نابود یا غیرفعال شود.

۲. استراتژی اصلی و بلند مدت ما باید یافتن درمان قطعی این بیماری به کمک واکسن یا هر روش دیگری باشد.

۳. استراتژی جانبی و میان مدت باید قرنطینه و پیشگیری باشد. قرنطینه و پیشگیری در بلند مدت جواب نخواهد داد.

انتهای پیام /